

خواستگاری نادرشاه افشار از الیزابت دختر پتر کبیر

نادرشاه افشار وقتی که از سفر هندوستان باغنایم بی‌شمار وارد خاک ایران شد در پیرامون فلات وسیع ایران و کشورهای منضم‌بدان دو کشور بزرگ و نیرومند روسیه و عثمانی را مشاهده کرد که هنوز از حیطة اقتدار و سلطه نظامی او دور مانده بود. نادرشاه آرزو داشت که با طرح مسائل مذهبی و ایجاد رفق در میان شیعه و سنی راه نفوذ معنوی را در قلمرو حکومت عثمانی برای خود باز کند و شاید در پس آن تظاهرات دوستانه سودای خلافت را هم در دماغ خود می‌پرورد و روی این اصل در این نوبت با سفارتیکه بدربار عثمانی فرستاد و علاوه بر نامه‌های دوستانه تحف گرانبهائی را که از هندوستان همراه آورده بود برای سلطان و شیخ الاسلام و صدراعظم فرستاد. اندیشه دیگری که بخاطر آن شهریار کشور گشا می‌گذشت فتح باب دوستی با پادشاهان عیسوی اروپا بود که از آنجمله اطریش در آن روزگار مقام بلندی را داشت و از نفایس هند ارمغانی گرانبها برای ملکه آن کشور بفرستاد و آن را نشانه دوستی بایدار میان دو کشور بشمار آورد. نادر شاه در اینکار نیز اندیشه نظامی مد نظر داشته است زیرا در صورت زد و خورد با عثمانیان دوستی کشوریکه در مرز باختری آن نیرومند و جنگجو باشد برای نادر مغتتم محسوب میشد و آنگاه دیده بساحل شمالی دریای خزر گشوده. نادر کشور پهناور روسیه را نگرست که بعد از مرگ پتر کبیر نه تنها دست تصرف را از کناره‌های دوردست این دریا برداشت بلکه در داخل مرزهای طبیعی خود دارای وضع سیاسی عادی شده بود. بازرگانانی که در آن زمان میان دو کشور واسط ارتباط تجارتنی بودند از ثروت فراوان و وسعت بیکران روسیه برای او داستانها گفته بودند. نادرشاه برای اینکه نام و قدرت خویش را بساحل نشینان رود و لگام‌نشان دهد وسیله دلپذیری

جست و بجای جنگ و ستیزه طرح دوستی و خویشاوندی ریخت. در این زمان شاهزاده خانم الیزابت دختر پتر کبیر هنوز بمرحله‌ای نرسیده بود که بتواند زمام کار سلطنت را مستقیماً بدست گیرد و **گمراوندوشس آنا مکلمبورگ** برادرزاده پتر بنیابت سلطنت انتخاب و با کمک انجمنی از بزرگان امور کشور روسیه را اداره مینمود. هنگامیکه (کالوشکین) نادر را از استقرار **الیزابت پترونا** بر تخت سلطنت روسیه آگاه ساخت پادشاه افشار تأیید کرد از این خبر بسی خوشحال شده است زیرا تخت و تاج روسیه قانوناً بدختر پتر کبیر تعلق دارد و آنگاه یکدست لباس فاخر و هزار روبل به (کالوشکین) نماینده دولت روس در ایران بخشید. نادر برای اعلام مرثه فتح هندوستان و ترکستان و خواستگاری شاهزاده الیزابت سفارتی بمسکو اعزام نمود که پیام دوستی و مهربانی او را با قیافه خشن جنگی همراه میبرد. ایلچی ایران در سال ۱۷۴۱ میلادی مطابق با سال ۱۱۵۴ هجری قمری با دبدبه و شکوه بی نظیری از راه قفقاز عازم روسیه شد. در این سفر شاهزاده هزارسرباز و بیست عراده توپ و چهارده زنجیر فیل به جاه و جلال این سفارت رونق خاصی می بخشید. **ژنرال مانشتین** در یادداشتهای تاریخی و سیاسی و نظامی روسیه از سال ۱۷۲۷ تا ۱۷۴۴ میلادی راجع باین هیئت اعزامی چنین مینویسد: همینکه دربار روسیه از این خبر اطلاع یافت بی درنگ از **حاجی طرخان** چند فوج سرباز بسوی مرز ایران که آن زمان در کناره چپ رود کیلر (اترک) بود اعزام داشت تا در آنجا اردو زده منتظر مقدم سفیر ایران باشند.

ایلچی چون بساحل راست رود اترک رسید پیش از آنکه از مرز ایران بگذرد سرتیپ (اپرافین) فرمانده سپاه مرزی روس که افرادش مرکب از پنج فوج بیاده و شش فوج سوار نظام بود کس بدیدار ایلچی فرستاد و چنین پیغام داد که چون میان مرز ایران و حاجی طرخان ببابانی خشک و لم یزرع فاصله است و برای رفتن بمسکو ناچار باید از آنجا گذشت او نمی تواند زاد و توشه و علوفه اینهمه سرباز و همراهان سفیر را فراهم آورد و خواهش کرد که سه هزار تن از همراهان را با خود بروسیه درآورد و بقیه را در کنار رود اترک باقی گذارد. بدیهی است ایلچی نادر بدون کسب دستور از شاهنشاه خود نمیتوانست چنین تکلیفی را بپذیرد و چون سفارت او جنبه دوستانه کامل داشت و

قصد خیری هم در کار بود سپاه را در کنار رود اترک متوقف ساخت و چاباری پیش نادرشاه فرستاد تا دستور لازم صادر فرماید. شاه افشار فرمود که با موافقت نمایندگان دولت روس هر عده‌ای از همراهان را که مصلحت میدانند با خود تادربار مسکوه همراه ببرد. وقفه‌ای که در کار پیشرفت این سفارت رخ داد سبب شد که ایلچی ایران پیش از ماه ژوئیه ۱۷۴۱ نتوانست بمسکو برسد. ورود ایلچی ایران پایتخت تزارها با شکوه فوق‌العاده انجام گرفت ایلچی سواره با جاه و جلال زاید الوصف بشهر درآمد. سه هزار نفر سرباز و چهارده زنجیر فیل و بیست عراده توپ و هدایای دیگری که نادرشاه برای خاندان امپراطوری و رجال و اعیان روسیه فرستاده بود بر جلال این موكب میافزود ایلچی ایران بحضور نایب السلطنه (گراندوشس) باریافت و در خطابه‌ای که هنگام شرفیابی ایراد کرد گفت:

(شاهنشاه ایران میخواهد دوست ارجمندی همچون شهریار روس را باارمغانهای گرانبهای سفر هندوستان سهیم سازد و با دوستار مقداری از احجار کریمه ودانه‌های درشت الماس تراشیده تحفه فرستاده است) وزرای روس چون هنوز از مقصود اصلی مطلع نبودند نسبت باین سفارت بدگمان شده پنداشتند که مبدا نظر اصلی نادر از اعزام این هیئت تهیه مقدمات فتح حاجی طرخان بلکه فتوحات مهم دیگری در مرزهای بی‌حفاظ روسیه باشد، ولی ایشان بخطا رفته بودند نقشه حقیقی نادرشاه جز این بود. نادر این سفارت را برای خواستگاری شاهزاده خانم الیزابت که بعدها نیز امپراطریس روسیه شد بدربار روس فرستاد و وعده میداد در صورت قبول این درخواست نسبت به کیش عیسوی در ممالک خود از هیچگونه مساعدتی مضایقه نکند. گوئی برق‌گوهرهای تابان و الماسهای درخشان چشم گراندوشس نایب السلطنه را طوری فریفته بود که از این مواصت بدش نمی‌آمد ولی چون طرف وصلت نادر شاه بود چنین اقدامی را خالی از درد سر و بی پروائی ندانسته در قبول آن تردید داشت. مورخین ایرانی و اروپائی در باره این وصلت بغیر از یادداشت‌های ژنرال (مانشتین) چیزی ننوشته‌اند و اطلاعات درستی درباره این وصلت و پایان اینکار عجالت ما را در دست نیست و گمان می‌رود گراندوشس بعد از خردسالی الیزابت درخواست نادر را نپذیرفت و یا حوادثی که در همین سال در داغستان رخ داد و شورش لژگیها که بکشتن (ابراهیم خان) برادر نادر

منتهی شد اورا از این سودای زناشوئی بیرون آورد . در هر حال این خواستگاری که با شانزده هزار سرباز و بیست عراده توپ و چهارده زنجیرفیل و مقدار زیادی تحف گرانها از طرف نادر شده در تاریخ زناشوئی گیتی نظیر ندارد . شق دیگری که باعث عدم حصول نتیجه این سفارت شد گفتار نادرشاه بسفیر روس (گالوشکین) باید باشد شاهنشاه ایران در ضمن ملاقاتی گفته بود که : (من با یکقدم هندوستان را فتح و بادو قدم جهان را در تحت فرمان خود خواهم آورد) این اظهار بی نهایت موجب هراس گالوشکین از نادر شده بود و پیوسته کوشش میکرد که شاه را متقاعد سازد لشکر کشی داغستان عواقب وخیمی برای ایران خواهد داشت لیکن نادر به این سخنان توجهی نمیکرد و گالوشکین بیم آن داشت که شهریار ایران بخاک روسیه تجاوز نماید و روی این نظر بدولت متبوع خود توصیه نمود که مرزهای روسیه رامستحکم سازد و مواظب اوضاع واحوال باشد چنانکه در همین سال نادرشاه از گالوشکین تقاضا نمود ترتیب قرض دادن ده کشتی روسی را بدولت ایران بدهد تا او چند تا از این کشتی ها را برضد سرکشان داغستان بکار برد و چند تای دیگر را صرف حمل و نقل کالا از حاجی طرخان برای سپاهیان ایران نماید . گالوشکین ضمن ابلاغ این درخواست بدولت متبوع خویش در عین حال این نکته را یاد آور شد که هرگاه نادر کشتی دریافت دارد دیگر پس نخواهد داد زیرا مصمم است ناوگانی نیرومند برای ایران بوجود آورد بر اثر اخطار گالوشکین دولت روسیه از نادر بیمناک و درخواست نادر را هم در خصوص خواستگاری الیزابت وهم تحویل کشتی ها انجام نداد با اینهمه نادر بعداً توانست در دریای خزر مانند خلیج فارس و بحر عمان ناوگانی بوجود آورد ولی شورش های متوالی اهالی ایران و جنگهای پیاپی نادر با عثمانیان و لزگیها و کور کردن (رضاقلی میرزا) و سازش دادن در میان ادیان مختلفه و سخت گیری های خشن او بر عایای خود که تمامی آنها طلیعه انحطاط سیاسی و اخلاقی این سردار کشور گشا محسوب و بالنتیجه موجبات از بین رفتن او را فراهم کرد آرزوی خویشاوندی با امپراطور روسیه برای همیشه با سایر آرمانهای این مرد بزرگ بگور رفت و صورت عمل بخود نگرفت .